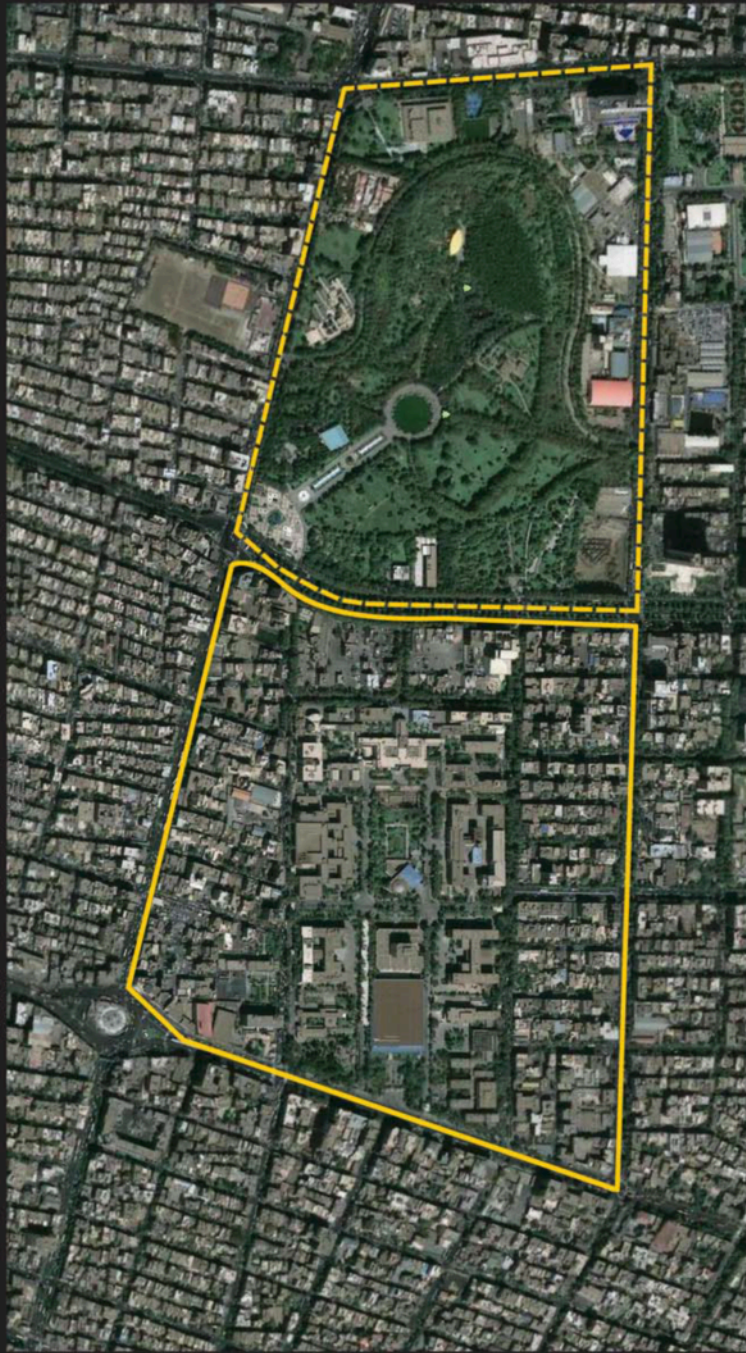


۱: دانشگاه تهران به عنوان یکی از دانه‌های درشت نفوذ فاینبر در شهر، مانع انسجام بافت پیرامون آن شده است. مأخذ: . . . www.earth.google.com



پارادوکس دانه درشت‌ها

سید امیر منصوری، استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران | amansoor@ut.ac.ir

در بافت‌های شهری اراضی بزرگی به صورت بایر یا دارای کاربری واحد وجود دارد که در طی دوران شکل‌گیری شهر به شکل یک دانه درشت در میان بافت متراکم اطراف دیده می‌شود. این اراضی به دلیل ماهیت یکپارچه و غیر قابل نفوذ خود اجازه سرایت شبکه راه‌های شهری و پدید آمدن کاربری‌های گوناگون، مانند آنچه در بقیه شهر رخ داده، را به بافت شهری نمی‌دهند. در نتیجه در میان بافت متعارف شهری، که دارای دانه بندی همگن و خرد است، دانه‌های درشتی پدید می‌آید که نقش مهمی در ادراک شهروندان، کارکرد و منظر شهر و همچنین روابط اجتماعی ساکنان محدوده خود دارد؛ دانه درشت‌ها اغلب با دیواری صلب و طولانی خود را از محیط جدا می‌کنند، معابر منتهی به آنها بن بست است، از نظر ادراکی به قلعه‌های رازآمیزی می‌ماند که جز خواص کسی به آنها راه ندارد، در برابر همه تحولات شهر غیر قابل انعطاف است، با اطراف خود تعامل ندارد و بسیاری صفات دیگر که از آنها یک گونه خاص شهری را پدید می‌آورد.

■ سؤال اساسی

در بی گذشت زمان و تغییراتی که در نحوه زندگی و فعالیت شهر پدید می آید اراضی مذکور یا کارکرد گذشته خود را از دست می دهند یا مدیریت شهری به خروج آنها از شهر و تغییر کاربری اراضی تمایل پیدا می کند. در بسیاری از مواقع تصمیم گیران و مدیران شهری تحقق آرمان های بلندپروازانه خود را در هیبت دانه های درشت می بینند؛ حتی اگر این آرمان ها با نیازهای واقعی توسعه پایدار شهری انطباق نداشته باشد. از نگاه برنامه ریزان، دانه های درشت شهری فرصت هایی برای توسعه پایدار و تحقق عدالت اجتماعی است؛ در حالی که برای مدیران شهری الزاماً این طور نیست. دوگانگی در تعریف نقش دانه درشت ها که فرصتی برای شهر است یا مدیریت شهری، پارادوکس بحران ساز بسیاری از شهرهاست. ظرفیت نهفته در اراضی مذکور این امکان را به وجود می آورد که هر طرحی برای آنها در تبلیغات عمومی مقبولیت داشته باشد؛ علی الخصوص آنکه با فضای سبز نیز آمیخته شود تا قابلیت توجیه افکار عمومی را دارا باشد.

■ بررسی یک نمونه

دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ در محل فعلی آن که در آن زمان لبه شهر و جهت اصلی توسعه تهران بود، مکان یابی و تأسیس شد. پیش از آن دانشسرای عالی در باغ نگارستان، تفرجگاه متروک فتحعلی شاه استقرار یافته بود. دانشسرای عالی (که نام جدید آن دانشگاه گذاشته شد) کاربری جدیدی بود که سابقه ای در معماری سنتی ایران نداشت. طبعاً مکان گزینی آن در شهر نیز فاقد سابقه و سنت برآمده از هنجارهای شکل یابی شهر ایرانی بود. ارتباط با غرب و ظهور دنیای مدرن ایرانیان را ناگزیر از ایجاد دانشگاه کرده بود. اولین معیار برای مکان دانشگاه، ناظر به اندازه آن (که محل وسیعی را طلب می کرد) بود. انتخاب یکی از قصرهای سلطنتی در مرکز شهر عصر خود، نیز از اهمیت معنوی آن در ذهن تصمیم گیرندگان حکایت می کند.

انتخاب محل فعلی دانشگاه تهران نیز حاکی از تداوم همان معیارهاست. تفاوت در اندازه دانشگاه جدید است که برای تهران آن روز، بزرگ به نظر می رسید. گروهی در تمجید این اقدام، آینده نگری و اهمیت دانشگاه در نظام تصمیم گیری دوران پهلوی اول را نتیجه می گیرند. نتیجه قهری این استنتاج آن است که دانشگاه هرچه بزرگ تر باشد، بهتر است. در دهه های میانی عمر دانشگاه، بر حسب نظام رایج آموزش عالی و پدید آمدن رشته های جدید، دانشکده های تازه ای به دانشگاه اضافه شد. مکان یابی آنها به طور پراکنده و در نقاط مختلف شهر بود. این رویه محدوده های بیشتری از شهر را تحت تأثیرات فرهنگی دانشگاه قرار می داد.

در دهه هفتاد، مدیریت دانشگاه تهران، بدون توجه به ابعاد پیچیده مسئله، توسعه دانشگاه را معادل افزایش اندازه آن انگاشته و چون زمینی در محدوده شهر برای این هدف موجود نبود، تصمیم به انتقال دانشگاه به چیتگر گرفت. مخالفت دانشگاهیانی که در جریان این تصمیم بودند به بررسی علمی موضوع در قالب یک طرح پژوهشی انجامید. نتایج این طرح گواه دو نکته اصلی بود: ۱. دانشگاه (در وضعیت آن روز) از کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت خود بهره می گرفت. ۲. اکثریت بزرگی از دانشگاهیان با انتقال دانشگاه به خارج از شهر مخالف بودند. علت این مخالفت تأکید بر نقش اجتماعی دانشگاه و ضرورت تعامل دانشگاه و جامعه ابراز شده بود.

دشواری های انتقال دانشگاه به خارج شهر، عدم حمایت دولت از این تصمیم و مخالفت دانشگاهیان، مدیریت وقت دانشگاه را از تصمیم خود منصرف کرد. لکن تصور کوچک بودن دانشگاه و یکی انگاشتن اندازه فیزیکی آن با توسعه دانشگاه، موجب شد تا طرح توسعه دانشگاه تهران در محیط پیرامونی در دستور قرار گیرد.

ارتقای مقام رئیس قبلی دانشگاه به معاون اولی رئیس جمهور، زمینه تحقق آرزوی دیرین را فراهم کرد. وی از وزیر مسکن خواست تا طرح توسعه دانشگاه را در شورای عالی شهرسازی تصویب کند، وزیر به این موضوع اعتقاد نداشت در نتیجه اداره جلسه مربوط به این خواسته را به معاون خود واگذار کرد. نهایتاً طرح توسعه دانشگاه تهران در پیرامون خود که مصوبه ای تأثیرگذار در مرکز شهر است به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید. عدم پیش بینی اعتبارات لازم برای اجرای پروژه، نزدیک یک دهه مرکز شهر تهران را به بافت فرسوده و در حال تخریب بدل کرده است.

در صورتی که کار با همین آهنگ ادامه یابد حداقل چهار دهه دیگر برای اتمام طرح لازم است. این دوره معادل عمر مفید ابنیه عمومی در ایران است. یعنی در حدود نیم قرن، محدوده های بزرگ تر از دانشگاه فعلی در مرکز شهر تهران خالی از زندگی فعال شهری و به صورت کارگاه ساختمانی باقی خواهد ماند.

طی یک سال گذشته، رویکردهای جدیدی در مدیریت دانشگاهی مطرح شده است: تأکید بر خطر زلزله تهران، ضرورت سمت گیری دانشگاه مادر به تحصیلات تکمیلی، توسعه آموزش های پایه در شهرستان ها از جمله آنهاست. تحولات علم در جهان نیز بر اخذ رویکردهای جدید تأثیرگذار است. تغییر در طبقه بندی قدیمی علوم، ظهور دانشگاه های میان رشته ای، پدید آمدن تکنولوژی های نو در آموزش و تغییر شیوه های تعلیم و تحقیق نوع، ساختار، نیاز فیزیکی و تأسیساتی و نحوه مدیریت دانشگاهی در جهان را پیوسته تغییر می دهد.

تجربه حضور دانشگاه در شهر و نقش اجتماعی آن برای موافقان و مخالفان این اثر، مؤلفه مهم دیگری است که اثر آن در سیاست گذاری های توسعه دانشگاه غیرقابل انکار است. مکان گیری بورس کتابفروشی ها و شکل گیری مرکز فرهنگی و سیاسی تهران در محدوده دانشگاه گواه وجود ارتباط اجتماعی میان دو پدیده دانشگاه و شهر است. سیاست جدید مدیریت دانشگاه در ایجاد محدودیت برای ورود به دانشگاه و کنترل شدید درهای ورودی در نوع رابطه دو پدیده تأثیر مستقیم دارد. در نتیجه این سیاست، شهروندان تهرانی، دانشگاه را که محل آموزش فرزندانشان است، بیگانه و غیرقابل دسترس خواهند پنداشت.

در نظر آوردن هم زمان همه مؤلفه های مؤثر بر رابطه دانشگاه و شهر گواه این نکته است که رسیدگی به این رابطه نمی تواند در حد تصمیمات پایین دستی باقی بماند و لازم است در سطح راهبردی به آن پرداخته شود. زیرا دانشگاه، دانه ای درشت در بافت شهر است که به تناسب اندازه فیزیکی و جایگاه معنوی خود شهر را متأثر می سازد. این رابطه درباره اغلب دانه درشت های شهری صدق می کند. پادگان ها، فرودگاه های قدیمی، مراکز صنعتی بزرگ، اراضی بایر، حریم های طبیعی و بسیاری اندام های بزرگ اندازه شهری دیگر حامل مراتبی از وجود شهر هستند که تصمیم گیری در مورد آنها به سازوکارهای ویژه و مشارکتی مناسب با بزرگی مسئله و در سطح راهبردی نیازمند است.

